یادداشت

وصال روحانی

های و هوی ابدی مدیران ناکارآمد

مجادله‌های اخیر احمد مددی با اعضای هیأت مدیره موضوع تازه‌ای نیست و این باشگاه با این قبیل منازعه‌های مدیریتی خو گرفته است. تاریخ و سوابق به ما می‌گویند به جز در اعصاری که علی فتح‌الله‌زاده، محمدحسین قریب و سیدمحمود اولیایی مدیرعاملی باشگاه آبی‌پوش پایتخت را در اختیار داشته‌اند، مدیران استقلال سرگرم مقابله با هم و پیشی جستن بر یکدیگر در افکار عمومی بوده‌اند و به جای تقویت باشگاهی با ۷۵ سال عمر آن را هرچه بیشتر تضعیف کرده‌اند.

این داستان به زمان‌های هدایت استقلال در دوران مقداد نجف‌زاده، بهرام افشارزاده، سید رضا افتخاری، امیرحسین فتحی و احمد سعادتمند هم که همگی ۱۰ سال اخیر را پوشش داده‌اند، بسط یافته است و این سوای زمان‌هایی است که یک مدیر موقتی برای آبی‌ها منصوب شده و فقط چند ماه باشگاه را به طور اضطراری اداره کرده و البته این قبیل مدیران ضربتی هم فقط مشکل‌زا بوده‌اند.

مشکل فقط انبوه بدهی‌هایی نیست که این دسته مدیران برجای نهاده و آن را برگرده جانشینان خود گذاشته‌اند. اکثر آنها حتی پول فصل بعدی را که دیگر سمتی در آن نداشته‌اند «پیش‌خور» کرده‌اند تا فردی که به جای‌شان می‌آید، تا گلو در قرض و قوله غرق باشد و نتواند تکان بخورد. محصول این وام‌های توجیه نشده و پول‌های بی‌حساب هزینه شده، بدهکاری استقلال به زمین و زمان است.

در این میان مسأله استقلال فقط شکایت اعضای خارجی سابق از این باشگاه نبوده که چون پول‌شان را نگرفتند به فیفا پناه برده‌اند و این نهاد جهانی باشگاه تهرانی را بارها نقره داغ کرده، بلکه از بین رفتن شأن و اعتبار باشگاهی است که سه ربع قرن پیش با نام «باشگاه دوچرخه‌سواران» تأسیس و مشغول فعالیت شد و اینک با احتساب اتفاقات سنوات بعدی و همه مشکلات عظیم مدیریتی و پول‌های کلان هدر رفته نام و عنوان باشگاه بدهکاران برای آن بسیار بامسماتر است. وزارت ورزش که در سال‌های اخیر بسیار کوشیده است ترتیب واگذاری سرخابی‌های پایتخت را به طبقه خصوصی بدهد و به سبب در اختیار نگرفتن ساز و کارهای مؤثر از این مهم بازمانده است، ارقام متنوع و متضادی را به عنوان بدهی‌های استقلال طی دهه اخیر اعلام کرده ولی به نظر می‌رسد اگر همه آنچه را که آبی‌های همیشه بدهکار به خودی‌ها و غریبه‌ها مقروضند جمع ببندیم به رقمی بالای ۱۵۰ میلیارد تومان می‌رسیم. طول حضور احمد مددی در استقلال که به ۹ ماه هم نمی‌رسد. کوتاه‌تر از آن است که وی را صاحب سهم قابل توجهی در این بدهی نجومی بدانیم اما شکی نیست که او برخلاف ادعاهایش و در نفی حمایت نه چندان منطقی و بزرگی که سران ورزش از وی کرده‌اند، چندان موفق‌تر از احمد سعادتمند عمل نکرده و فقط قدری های و هوی او از سعادتمند کمتر بوده است. سعادتمند طی فقط شش ماه سرپرستی‌اش در استقلال چنان ادعاهای غیرواقعی و بزرگی کرد که حتی رؤسای بزرگترین و موفق‌ترین باشگاه‌های اروپایی نکرده‌اند. شاید درگیری آشکار و کلامی او با فرهاد مجیدی با توجه به اخلاق خاصی که سرمربی استقلال دارد قابل فهم بوده باشد اما حرف‌هایی که در مورد سفر به اروپا زد و ادعاهایش در خصوص دیدار و گفت‌وگو با آندره آ استراماچونی مربی فراری اما محبوب ایتالیایی هیچ‌یک به اثبات نرسیدند و از سوی خود این مربی نیز به کلی انکار شدند.

مدیریت سعادتمند سرشار از بحران‌زایی بود و تشدید برخورد او با مجیدی در هفته برگزاری فینال جام حذفی فوتبال کشور و قهر و آشتی مسخره سرمربی آبی‌ها با باشگاه که فرصت تدارک و تمرین درست را از آنها گرفت این جام را همچون یک کادو از سوی آبی‌ها دودستی به اردوی تراکتوری‌ها منتقل کرد.

احمد مددی که آمده است تا آن بحران‌ها را فرو بنشاند و منطق را جانشین برخوردهای غیرمسئولانه کند نه تنها به این مهم دست نیافته بلکه بحران‌های دیگری را آفریده زیرا فنون و مهارت‌های باشگاه‌داری و آن هم یکی از دو باشگاه پرطرفدار کشور را نمی‌شناسد. بالا رفتن استقلال از گروهش در مسابقات لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۲۱ در اردیبهشت امسال و شادی برخاسته از آن سرپوشی موقتی بر مشکلات مدیریتی این باشگاه بود ولی چه پیش از آن و چه پس از بازگشت ناموفق آبی‌ها به صحنه لیگ داخلی و واگذاری بازی برگشت دربی به رقیب بزرگ قدیمی و کمرنگ شدن شانس‌های قهرمانی استقلال در لیگ بیستم به آرامی و جوهی از ایرادات کار مددی روشد که پیش‌تر زیر سایه مانده بود. در هفته‌های اخیر نه قروش عظیم همچنان نپرداخته استقلال به این و آن و جرایم دربی پایتخت و مسائلی از این دست بلکه تصمیم‌های فردی و دل‌بخواهی مددی استقلال را به دهلیزی تازه فرستاده و صدای سایر اعضای هیأت مدیره باشگاه را درآورده است.

به هر حال رفتن هر مدیر ناموفقی از استقلال لزوماً به معنای روی کار آمدن مدیری توانا‌تر نبوده و برعکس مدیران بعدی معمولاً به گونه‌ای کار کرده‌اند که موجب افسوس ناظران و ایجاد این آرزو در ذهن هواداران باشگاه بوده که ای کاش همان مدیران قبلی سکاندار می‌ماندند و این به سبب درس نگرفتن از اتفاقات گذشته بوده است.

ادعای رسانه‌های قطری: کریمی به استقلال برمی‌گردد

ماجرای بازگشت شماره شش ۸ ماه بعد از جدایی

زمزمه بازگشت علی کریمی به استقلال در شرایطی شنیده می‌شود که هیچ‌یک از مسئولان باشگاه استقلال این خبر را تأیید نکرده‌اند.

برخی رسانه‌های قطری اما با قاطعیت اعلام کرده‌اند که کریمی از لیگ ستارگان قطر جدا خواهد شد و به استقلال خواهد پیوست. این خبر ممکن است از جانب مدیر برنامه‌های علی کریمی به اطلاع رسانه‌های قطری رسیده باشد و یا احتمال دارد خود کریمی راوی بازگشتش به استقلال باشد.

ماجرایی که در هر حال می‌تواند برای هواداران استقلال یادآور روزهایی باشد که عمیقاً دوست داشتند شماره شش در استقلال بماند و تیمی رویایی برای لیگ بیست و یکم شکل بگیرد اما این بازیکن به پیشنهاد القطر پاسخ مثبت داد و راهی لیگ ستارگان شد؛ یک جدایی تلخ از نگاه هواداری اما موفقیت‌آمیز از دید کریمی و مدیر برنامه‌هایش.

کریمی در تاریخ ۷ آبان ماه سال ۹۹ ابتدا با القطر قرارداد رسمی امضا کرد و در نیم فصل به تیم الدحیل پیوست. او در لیگ قهرمانان آسیا با الدحیل مقابل استقلال هم قرار گرفت و به رغم آنکه در دو بازی پی‌درپی موفق شد از استقلال ۴ امتیاز بگیرد، از صعود به مرحله بعد بازماند. در واقع الدحیل تنها تیمی بود که در مرحله گروهی از استقلال ۴ امتیاز گرفت.

جدایی او از الدحیل در شرایطی به یکی از خبرهای مهم فوتبال قطر تبدیل شده که این بازیکن عملکرد مطلوبی در ترکیب القطر و بعد از آن در تیم الدحیل داشته و مشخص نیست که چرا و به چه دلیل باشگاه جدید او دیگر خواستار تمدید قرارداد با ستاره سابق آبی‌ها نیست.

هرچه هست اما تمدید نشدن قرارداد کریمی با باشگاه الدحیل می‌تواند یک فرصت طلایی برای مدیران باشگاه استقلال باشد تا او را به قلب استقلال بازگردانند.

حال شاید برخی هواداران استقلال از جدایی کریمی دل خوشی نداشته باشند اما قواعد فوتبال حرفه‌ای همین است و در تاریخ بارها چنین جدایی‌هایی رخ داده و کریمی هم آخرین بازیکنی نخواهد بود که با وجود نیاز باشگاه و خواست هواداران از این باشگاه جدا می‌شود.

بنابراین نمی‌توان به لحاظ حرفه‌ای ایرادی به انتقال کریمی و پیوستن او به لیگ ستارگان قطر وارد دانست و پروسه بازگرداندن این بازیکن به استقلال باید به طور جدی از سوی مدیران باشگاه استقلال پیگیری شود تا اگر کریمی حقیقتاً پیشنهادی از لیگ ستارگان قطر و یا دیگر لیگ‌ها ندارد به استقلال بازگردد و احیاناً در تور سپاهان و یا دیگر تیم‌ها نیفتد و دوباره در ترکیب استقلال دیده شود.

چرا بازگشت کریمی مهم است؟

اگر فرض را بر جدایی کریمی از لیگ ستارگان قطر بگیریم، بازگشت شماره شش به استقلال اهمیت بیشتری می‌یابد. اولاً که اگر کریمی به باشگاه دیگری برود، قطعاً رقیبان استقلال در لیگ آتی قوی‌تر خواهند شد اما حضور او در استقلال علاوه بر افزایش توان فنی این تیم، روی جدایی احتمالی برخی ستاره‌ها سرپوش خواهد گذاشت. با توجه به اینکه ممکن است دیاباته و قایدی فصل بعد به دلایلی در استقلال نباشند، حضور یک هافبک بازیساز خیال استقلال را در خط میانی راحت خواهد کرد.

در لیگ بیستم بارها کارشناسان به فقدان هافبکی در حد و اندازه کریمی اشاره کردند. بسیاری اعتقاد داشتند اگر کریمی حفظ می‌شد با توجه به بازیکنانی که در خط آتش استقلال حضور دارند، نتایج بهتری رقم می‌خورد و چه بسا اکنون استقلال در صدر جدول حضور داشت و دست خود را از رسیدن به جام قهرمانی کوتاه نمی‌دید.

گزارش

پیروز حاضر نیست پست‌های بی‌اثر قبول کند

قربانی می‌خواهد نفر اول استقلال باشد

پیروز قربانی، مدافع اسبق و کاپیتان آبی‌ها که بعد از کنار رفتن از سمت دستیاری در سایپا در این چند وقت با پیشنهاداتی برای حضور در برخی تیم‌ها مواجه شده، در تازه‌ترین پیشنهادی که داشته، حضور در سمت معاون فنی استقلال را نیز رد کرده است.

احمد مددی مدیرعامل استقلال چندی پیش در گفت‌وگویی که با پیروز قربانی داشت به وی پیشنهاد حضور در سمت معاون فنی باشگاه را می‌دهد که وی این پیشنهاد را هم رد کرد. قربانی پیش از این نیز گفته می‌شد با پیشنهاد حضور در جمع کادرفنی فرهاد مجیدی روبه‌رو شده بود که آن را هم رد کرده بود.

نکته اینجا است که پیروز قربانی حاضر نیست با این پست‌ها در کنار استقلال قرار بگیرد. قربانی قصد دارد به عنوان نفر اول روزی وارد استقلال شود و تمام امورات را به دست بگیرد. پیش از این هم بارها باشگاه استقلال پست‌های مختلفی را به قربانی پیشنهاد داده است اما این پیشکسوت استقلال نشان داده که حاضر نیست به عنوان سرپرست و معاون به استقلال بیاید و اینطور که مشخص است مدافع سابق استقلال در نظر دارد روزی به عنوان نفر اول این تیم را به دست بگیرد.

با توجه به روحیاتی که پیروز دارد اکثر کارشناسان معتقدند که او می‌تواند حکم کریم باقری را برای استقلال داشته باشد و اجازه نمی‌دهد بازیکنان در تیم حاشیه ایجاد کرده یا رختکن را به هم بریزند به همین دلیل هم هست که مسئولان استقلال علاقه دارند قربانی را به تیم استقلال اضافه کنند اما خود قربانی حاضر نشده تاکنون این پست‌ها را قبول کند. قربانی هنگامی هم که برای استقلال بازی می‌کرد بازیکن جسوری بود و همین جسارت باعث می‌شد توانایی‌هایش بیش از پیش به چشم بیاید.

این بازیکن قدیمی استقلال تحصیلکرده است و نشان داده دانش مربی شدن هم دارد. این روزها بحث‌های کارشناسی پیروز قربانی باعث شده تا از او به عنوان کارشناس در برنامه‌های مختلف دعوت کنند.

عکس نوشت

بازگشت احمد موسوی به تمرینات استقلال خبری بود که باعث خوشحالی سرمربی استقلال شد. تعداد مصدومان استقلال هر روز در حال کاهش است. اوضاع اسماعیلی هم رو به بهبود گذاشته است. آنها به احتمال زیاد به بازی با پدیده می‌رسند.

هرویه میلیچ کجا است؟ چرا به تمرینات تیمش بازنمی‌گردد؟ این سؤالات به طور دقیق از سوی مسئولان باشگاه استقلال پاسخ داده نمی‌شود چون هنوز ویزای کار این بازیکن صادر نشده. هرگاه ویزا صادر شود، میلیچ هم برمی‌گردد.

انگیزه وریا تنها مختص به بازی‌ها نیست. او را در جریان تمرینات تیمش هم اینگونه با نشاط می‌بینیم. وریا تلاش می‌کند با این روحیه جدی بودن در تمرینات را به جوان‌ترها هم آموزش دهد. وریا به معنای واقعی یک کاپیتان است برای استقلال.

سعید مهری در تلاش است تا جایگاه ثابتی در خط میانی استقلال پیدا کند. او در تمرینات اخیر استقلال به شدت آماده بوده و هیچ بعید نیست در اولین بازی استقلال بعد از تعطیلات در ترکیب اصلی باشد.

مجیدی خودش را مربی قطعی فصل بعد می‌داند

«لیست فصل بعد» کلیدواژه فرهاد

نگاه فنی

حمیدرضا عرب

فرهاد مجیدی در حالی انتقاداتی را از وضعیت مدیریتی باشگاه استقلال داشته که بسیاری از موضوعاتی که او مطرح کرده تازه نیست و در سال‌های اخیر به انحای گوناگون تکرار شده است. طرح مسائل مالی باشگاه و بدهکاری به بازیکنان و دیگر عوامل همواره جزو موضوعاتی بوده که مربیان استقلال در ادوار گوناگون بیش و کم به آنها اشاره داشته‌اند و این انتقادها مادامی که باشگاه استقلال به ثبات درآمدزایی نرسد، وجود خواهد داشت و بعد از این هم دیگر مربیان استقلال به آن اشاره خواهند کرد.

اظهارات سرمربی استقلال که از جنبه‌های گوناگون مورد ارزیابی قرار گرفته از یک منظر بیشتر قابل بررسی و کنکاش است؛ آنجا که سرمربی استقلال اعلام می‌کند تا زمانی که بازیکنانم تسویه نکنند لیست فصل بعد را نمی‌دهم.

صحبت‌های سرمربی استقلال نشان می‌دهد که او خود را به طور قطع سرمربی فصل بعد تیمش می‌داند در شرایطی که هنوز نتایجی که با استقلال به دست آورده آنقدر قابل توجه نیست که بتوان از مشارالیه به عنوان سرمربی قطعی استقلال در لیگ بیست و یکم یاد کرد.

فرهاد مجیدی خود به خوبی سابقه و تاریخ این باشگاه را می‌شناسد. در استقلال آنچه بیش از همه برای یک مربی فرصت ایجاد می‌کند تا به حرفه‌اش در این باشگاه ادامه دهد، کسب موفقیت است؛ یک اهرم قطعی و قابل اتکا که هنوز سرمربی استقلال به آن دست نیافته است.

فرهاد مجیدی که به نظر می‌رسد قدری نسبت به گذشته خود باتجربه‌تر شده بر اساس چه معیار فنی و کارنامه‌ای خود را مربی قطعی فصل بعد می‌داند در حالی که هنوز سرنوشت استقلال در دو جام حذفی و لیگ مشخص نیست؟ آیا مجیدی باور دارد که اگر در لیگ و جام حذفی به جامی نرسد، مدیران آتی استقلال باز هم به او زمان برای مربیگری در این باشگاه خواهند داد؟ شاید فرهاد تصور می‌کند صعود از مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا ملاک قرار خواهد گرفت؟!

حال حتی اگر فرض را بر این بگیریم که مجیدی با وجود دست نیافتن به جام قهرمانی همچنان سرمربی استقلال باشد و از سوی مدیران کنونی رأی اعتماد بگیرد و استقلال بر اساس لیست او آماده فصل بعد شود، چه تضمینی وجود دارد که مدیران آینده به واسطه برجا ماندن یک کارنامه نسبی، همچنان به او اعتماد کنند؟

با توجه به اینکه مدیریت باشگاه استقلال با تغییراتی که در بدنه دولت به وجود خواهد آمد، به طور قطع تغییر خواهد کرد، مجیدی باید با یک کارنامه حداقلی به فصل بعد چشم بدوزد و دست کم صاحب جام حذفی باشد تا بهانه را از دست مدیران آتی استقلال بگیرد وگرنه تصمیم‌گیران آینده استقلال که قطعاً با رویکرد از بین بردن ناکامی‌های ۸ ساله گام به این باشگاه خواهند گذاشت، یک مربی ناکام و نه چندان موفق را برای سپردن امور فنی این باشگاه آن هم برای یک زمان نسبتاً طولانی برنمی‌تابند.

به فرهاد مجیدی باید نسبت به نوع دیدگاهش به آینده کاری‌اش در استقلال هشدار داد و او را از خیالبافی دور کرد. فرهاد باید دریابد که با این روند پرفراز و نشیب نمی‌تواند شانس زیادی برای ادامه فعالیت روی نیمکت مربیگری استقلال داشته باشد و باید در همین زمان باقی مانده نتایجی را به دست آورد که بهانه را از دست مدیران آینده استقلال بگیرد.

چه بسا مجیدی با ناکامی در لیگ و جام حذفی از سوی همین هواداران استقلال که او را این روزها می‌ستایند مورد نقد قرار گیرد؟ آیا هیچ تضمینی وجود دارد که همین حامیان ظاهری فرهاد را بعد از ناکامی‌های احتمالی در لیگ و جام حذفی همچنان حمایت کنند؟

آیا ناصر حجازی، منصور پورحیدری و حتی امیر قلعه‌نویی در اوج محبوبیت با کسب نتایج نامناسب با همین انتقادها مواجه نشدند؟ آیا همین هواداران نبودند که افکار فکری را تحمل نکردند و اسباب خروجش را فراهم کردند؟ نمونه‌های بسیاری در تاریخ استقلال وجود دارد.

مربیگری در استقلال شوخی‌بردار نیست و هرقدر هم که اشاره به مشکلات ریشه‌ای این باشگاه بتواند پلی برای عبور مجیدی از مشکلات فعلی پدید آورد اما آنچه جایگاه او را در استقلال سفت و محکم خواهد کرد نتیجه است.

استقلال به واقع به گزینه‌ای نیاز دارد که بتواند در سال‌های آتی که بی‌تردید شیوه مدیریت استقلال با ظهور دولت جدید دستخوش تغییرات بسیار خواهد شد، به او برای سالیان متمادی اعتماد کند. یک مربی کاربلد که از پس قهرمانی‌های متعدد در لیگ برآید.

مسأله امروز استقلال حتی رسیدن به یک قهرمانی دیگر در لیگ نیست.

استقلال به دنبال قهرمانی‌های متعدد رقیب سنتی‌اش یک عقب‌ماندگی چهار یا پنج ساله را تجربه می‌کند که تنها حضور یک مربی آگاه و سرد و گرم چشیده است که می‌تواند این پسرفت تاریخی را جبران کند. حال شاید فرهاد مجیدی بتواند تصویر یک منجی را پیش روی هواداران استقلال پدید آورد و استقلال را به اوج برساند اما حداقل که نتایج او با یکی از بهترین تیم‌های ۱۰ سال اخیر در ماه‌های اخیر چیز دیگری را پیش روی‌مان قرار می‌دهد.

البته برای ساختن فضای تازه فرصت کافی پیش روی سرمربی استقلال وجود دارد. حتی می‌شود به جام لیگ هم رسید. آیا سرمربی استقلال از پس این پروژه عظیم برخواهد آمد؟

ویزای کار برای پین درخواست نشد!

بی‌میلی باشگاه استقلال به جذب مشاور ایتالیایی

با اینکه سرمربی استقلال در آغاز تعطیلات یکماهه لیگ صراحتاً اعلام کرد قصد دارد با یک مشاور ایتالیایی همکاری کند و اینطور به نظر رسید که مقدمات برای حضور این مربی در ایران نیز فراهم شده اما باشگاه استقلال تا به امروز هیچ اقدامی در راستای جذب این مربی انجام نداده است.

مجیدی در مصاحبه اخیر خود به بی‌تفاوتی مدیران باشگاه در جذب این مربی ایتالیایی اشاره کرد تا مشخص شود برخی مسئولان باشگاه استقلال تمایلی به جذب این مربی ندارند.

اما سؤال این است که علاوه بر قوانین دست و پاگیر سازمان لیگ چه دلایلی باعث شده تا به امروز این مربی ایتالیایی در تمرینات استقلال حاضر نشود؟ همه این ماجرا برمی‌گردد به مشکلات مالی باشگاه استقلال که تا به امروز مصائب بسیاری را برای آبی‌ها ایجاد کرده است.

شاید برخی هزینه‌های دریافت ویزا را دلیل موضوع اعلام کنند اما مسأله اصلی که مدیران باشگاه استقلال را برای جذب این مربی بی‌تفاوت کرده هزینه اقامت و دستمزد او است. بدون شک اگر پین بخواهد در تهران بر تمرینات استقلال اشراف داشته باشد، باید یک باب آپارتمان لوکس برایش تهیه شود.

علاوه بر آن دستمزد این مربی ایتالیایی هم لااقل مبلغی حدود ۲۰۰ هزار یورو خواهد بود که باشگاه استقلال توان پرداخت چنین پولی را در شرایط فعلی ندارد و ترجیح می‌دهد که سرمربی‌اش به طور مجازی با این مربی در ارتباط باشد و از او مشاوره بگیرد.

شاید فصل بعد و با رفع مشکلات مالی باشگاه استقلال و حضور مدیران جدید تا حدی مشکلات مالی استقلال برطرف شود و زمینه برای حضور مربیان خارجی نیز فراهم شود. البته این منوط به لغو کامل قانون منع به‌کارگیری بازیکن و مربی خارجی هم هست که باید دید سازمان لیگ چه برنامه‌ای برای این ماجرا دارد.

اردوگاه آبی

استقلال برای تسویه حساب ۶۰ میلیارد لازم دارد

اتفاق خاص در پرداخت بدهی بازیکنان

فرهاد مجیدی در صحبت‌های خود اشاره کرد که بازیکنان تیمش تاکنون ۲۵ درصد از مطالبات خود را دریافت کرده‌اند و ۶۰ میلیارد تومان از مطالبات بازیکنان برای تسویه حساب باقی مانده است. در این بین برخی از بازیکنان استقلال با مراجعه به باشگاه متوجه شده‌اند محاسباتی در ارقام دریافتی آنها صورت گرفته که خود آنها هم از این موضوع خبر ندارند. محمد دانشگر یکی از بازیکنان است که وکیل وی با مراجعه به باشگاه متوجه شده پرداختی به این بازیکن تا اینجای فصل ۱۸ درصد بوده اما در صورت حساب مالی، ۵۱ درصد دریافتی ذکر شده است! ظاهراً مسئولان استقلال به وکیل این بازیکن اعلام کرده‌اند که رقم مالیات فصل آینده وی و نه این فصل را در پرداختی به این بازیکن محاسبه کرده و به همین دلیل تا اینجای فصل ۵۱ درصد قرارداد خود را دریافت کرده است. این اتفاق در حالی رخ داده که پرداخت مالیات چند سال است که بر عهده خود بازیکنان است و باشگاه مالیات بازیکنان را پرداخت نمی‌کند اما استقلالی‌ها در صورت مالی آورده‌اند که رقم مالیات فصل آینده این بازیکن را پرداخت کرده‌اند و به همین دلیل به دانشگر ۵۱ درصد قراردادش را پرداخت کرده‌اند.

همچنان منتظر بازگشت دو خارجی

شیح دیاباته و هرویه میلیچ دو بازیکن خارجی استقلال هستند که از حدود دو هفته قبل ایران را ترک کردند و هنوز برنگشته‌اند. دیاباته و میلیچ در شرایطی از ایران به کشورهای خود رفتند که از ماه‌های قبل مطالبات زیادی را طلبکار هستند و به همین خاطر دلخوری‌هایی داشتند. از این رو شنیده می‌شد که به خاطر این مطالبات مالی احتمال دارد این دو ستاره خارجی هرگز به ایران برنگردند اما چند روز قبل بود که گفته شد میلیچ و دیاباته درخواست داده‌اند تا باشگاه استقلال ویزای کار آنها را تمدید کند و همچنین برای‌شان بلیت برگشت بگیرد. از این رو مسئولان باشگاه استقلال در تلاشند تا هر طور شده مشکلات ویزا و بلیت میلیچ و دیاباته را حل کنند. از سوی دیگر گفته می‌شد که با حل مشکل حضور این دو ستاره خارجی، آنها نهایتاً تا دوشنبه به تهران برمی‌گردند اما همچنان این اتفاق نیفتاده است. این در حالی است که باشگاه استقلال با مشکلات مالی زیادی دست و پنجه نرم می‌کند و بعید است فعلاً بتواند بدهی‌های دلاری و یورویی به دو خارجی‌اش را تسویه حساب کند.